

صورتی از تار گیسو

پرتره های بسیاری از ناصرالدین شاه قاجار به یادگار مانده است، تصاویری که حاصل کار عکاسان متفاوتی در طی سالیان متمادی است از ژول ریشار (Jules Richard) و آقا رضا عکاسباشی تا نادار (Nadar) عکاس نامدار فرانسوی و در کنار آنها مجموعه پرتره هایی که بدست خود ناصرالدین شاه ثبت شده است (Self - Portrait) ، تصاویری که در حالات گوناگون برداشته شده از پزهای عادی و خودمانی با لباس و کلاه فرنگی گرفته تا پزهائی که با دقت فراوان و در لباس رسمی از شاه پرداخته شده است. تنوع و تعدد این عکس ها که در واقع نخستین مجموعه عکس از يك پادشاه ایرانی است بیانگر علاقه وافر ناصرالدین شاه به عکس و عکاسی است. نکته دیگری که گواه این مدعاست اینست که ناصرالدین شاه در سفرهایش، چه در داخل و چه به خارج از کشور همواره عکاس و وسائل عکاسی و تاریکخانه سیار با خود همراه می برده است ، علاوه بر منابع متداول اسناد و مدارك مرتبط با سفرهای خارجی او حاکی از این علاقه مفرط است .^۱

در طی سفرهای خارجی ناصرالدین شاه، عکاسان مطرح و ماهر فرنگی بارها از شاه ایران عکاسی کرده اند. در سفرنامه های ناصرالدین شاه به فرنگ مطالبی در این باره آمده است از آن

^۱ - در صورت اشیائی که ناصرالدین شاه از سفر فرنگ با خود به همراه آورده بود و فهرست آن در بخش ضمیمه روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان جلد اول آورده شده است موارد بسیاری به عکس های همایونی ، آلبوم های عکس ، عکس های متفرقه و قاب عکس اشاره شده است .

جمله در نقل خاطرات سفر اول فرنگ در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در دوره اقامت در روسیه می نویسد :

” روز غُره (اول) شهر ربیع الثانی [۱۲۹۰] :

. . . بعد سوار کالسکه شده رفتم عکاسخانه دم در پیاده شده رفتم بالا اسم عکاس لویتسکی^۲ است و مرد فربه قطور بامزه ای بود اسباب و آلات معتبری داشت زبان فرانسه خوب حرف می زد چند شیشه عکس ما را انداخت بسیار خوب شد بعد از اتمام عکس ها به منزل برگشته . . . “^۳

در انگلستان نیز به درخواست ملکه ویکتوریا عکاس مخصوص دربار از ناصرالدین شاه عکس برداشته است :

” روز چهارشنبه ششم [جمادی الاولی ۱۲۹۰] :

. . . پادشاه خواهش کردند که عکاس مخصوص ایشان توی کالسکه عکس ما را بیندازد عکاس چند شیشه عکس ما را انداخت . . . “^۴

و در یادداشت های دوره اقامت در پاریس در همان سفر آورده :

” . . . نادر که عکاس قابل پاریس است بحضور آمده عکس ما را انداخت سابقاً با بالون زیاد به هوا رفته است اما حالا از این خیال افتاده مشغول عکاسی است . . . “^۵

^۲ - Levitski

^۳ - سفرنامه ناصرالدین شاه ، چاپ رشديه ، بي جا ، بي تا ، صص ۴۰ - ۳۹ .

^۴ - همان ، ص ۱۲۱ .

^۵ - سفرنامه ناصرالدین شاه ، ص ۱۴۲ .

در توضیح مطلب خاطر نشان می سازد که گاسپار فلیکس تورناشون (۱۸۲۰-۱۹۱۰) (Gaspard Felix Tournachon) فرانسوی معروف به نادار که در زمینه های مختلف هنری و نویسندگی دستی داشت در دهه ۱۸۵۰ میلادی به عکاسی روی آورد، وی که از عکاسان تاثیرگذار در تاریخ عکاسی جهان به شمار می آید به واسطه عکسهای تك چهره اش که در اندازه های کوچک چاپ می کرد و به کارت ویزیت (Cartes - de - visite) معروف بودند مشهور است. پرتره های وی که عاری از هرگونه تصنع، بصورت نیم تنه و در زمینه ای کاملاً ساده عکاسی شده اند از سنت محو نمائی عکاسی متداول در آن دوران کاملاً به دور هستند، نادار از نخستین کسانی بود که در ثبت عکس هایش از نورپردازی های هدایت شده بهره گرفته است.

وی از نویسندگان بزرگی چون بودلر (Baudelaire)، ویکتور هوگو (Victor Hugo) ژرژ ساند (George Sand) و آهنگسازی چون لیست (Liszt)، واگنر (Wagner)، برلیوز (Berlioz) و نقاشانی مانند گوستاو کوربه (Gustave Courbet) و مانه (Manet) که با نادار دوستی داشتند تك چهره هائی گرفته است. نادار در سال ۱۸۵۸ نخستین عکس هوائی را از داخل بالون گرفت و دریچه تازه ای را به روی مردم گشود. وی در سال ۱۸۸۰ میلادی مدیریت عکاسخانه خود را به پسر خود پل نادار (Paul Nadar) سپرد و از آن پس پدر و پسر به کارهای پژوهشی و ترویج عکاسی پرداختند.

ناصرالدین شاه در ضمن یادداشت های سفر سوم فرنگستان در سال ۱۳۰۶ هجری قمری نیز از پز دادن عکاسان فرنگی به مدل هایشان چنین یاد کرده است:

”روز شنبه هفتم ذیقعه [۱۳۰۶]

... بعد گیر عکاس ها افتادیم، عکاس انگلیسی اول عکس انداخت، بعد يك عکاس پلنی (لهستانی) بود، او آمد توی اطاق ما را به زور قَسَم بیرون برد، بسیار آدم فضول پرحرفی بود، سر ما را این طرف و آن طرف می کرد، هی می گفت حالا خوب شد، حالا خوب، هی حرف می زد ما را به تنگ آورده بود، تا عکس انداخت فارغ شدم،

.. “ ۶

۶ - روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، به کوشش دکتر محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، انتشارات سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۸، ۳ جلد، ج ۲، ص ۵۹.

در طی همان سفر در پاریس نیز مجدداً با عکاسان مواجه شده است و در این باره می نویسد :

” روز چهارشنبه نهم ذیحجه [۱۳۰۶]

. . . از آن جمله دو سه نفر عکاس اسبابهای عکس خودشان را آورده بودند توی باغ کوچک جلو اطاق پشت گوش ما روی هم چیده بودند ، یکی از آنها پسر نادار عکاس بود ، می گفت پدر نادار به همان قوه و بنیه باقی است ، در منزل است . . . ”^۷

جالب اینکه ناصرالدین شاه پس از فاصله زمانی در حدود شانزده سال نادار را که قبلاً در پاریس از وی عکس گرفته بود کاملاً به خاطر داشته است .

از میان مجموعه عکس های ناصرالدین شاه ، پرتره های رسمی وی در لباس رسمی و پز دهی دقیق به رسم عکاسی آن دوران زینت بخش کاخ های سلطنتی و منازل رجال و نزدیکان وی بود و به تقلید از تشریفات اروپائی اعطاء این عکسها به رجال داخلی و خارجی جزو امتیازات بشمار می آمد. این پرتره ها کاربردهای دیگری هم مانند چاپ بر روی سربرگ سلطنتی ، تزئین جعبه قلمدان ، تزئین ظروف ، چاپ اسکناس ، تمبر ، سر سکه و . . . نیز می یافت .

از جمله این موارد ، نمونه ای است نادر که چند سال قبل با آن روبرو شدم . مطیع امر یکی از دوستان که اظهار فرمودند علاقمندند عکسی از اثری منحصر بفرد که مالک آن عازم سفر خارج است در دسترس داشته باشد به اتفاق به منزل آن شخص رفتیم . در آنجا با تصویری یگانه و ممتاز از ناصرالدین شاه مواجه شدم که بدستور ملکه ویکتوریا با تار گیسو از روی عکس سوزن دوزی شده و ملکه انگلیس آن را به ناصرالدین شاه هدیه نموده بود . پس عکسبرداری از این اثر ارزشمند از درون قاب شیشه دار موافقت شد نسخه ای از عکس را نزد خود داشته باشم .

^۷ همان ، صص ۲۴-۲۳



تصویر سوزن دوزی شده از چهره ناصرالدین شاه که توسط ملکه انگستان به وی هدیه شد .

ویژگی این تصویر و ارتباط کلی آن با عکاسی و ماجرای پدید آمدن آن مرا بر آن داشت تا در پی بدست آوردن اطلاعات بیشتری درباره آن باشم، از آنجا که گفته شد که ناصرالدین شاه این پرده

را به دختر خود، خانم عصمت الدوله - همسر دوستمحمدخان معیرالممالک - بخشیده بوده در صدد برآمدن تا از اشخاص مطلع از خانواده معیرالممالک پرس و جوئی در این مورد داشته باشم. خوشبختانه آن هنگام مقارن با زمانی بود که برای بدست آوردن اطلاعات، مدارک و اسناد تصویری مرتبط با پژوهشنامه دانشگاهی خود درباره هنر عکاسی دوستمحمدخان معیرالممالک و نگاه خاص وی به عکاسی با خانواده معیرالممالک و منسوبان ایشان که تنها مرجع و منبع شفاهی برای کسب و تکمیل اطلاعات مورد نظر در این زمینه بودند در تماس بودم، فرصتی فراهم آمد تا در مورد این تصویر نیز کسب اطلاع کنم و بعدها این اطلاعات و روایات شفاهی خانوادگی را با اسناد و مدارک موجود تاریخی تطبیق دهم.

طبق روایات خانوادگی، ملکه ویکتوریا که به دلایل سیاسی یا شخصی به ناصرالدین شاه توجه خاص ابراز می نمود دستور داده بود این تصویر از تار گیسو در چند پرده رنگ همگون نقش پردازی و سوزن دوزی گردد تا به عنوان هدیه ای استثنائی و متفاوت به پادشاه ایران تقدیم شود، عمه ملکه ویکتوریا که بر طبق سنت اشرافی آن دوران در سوزن دوزی مهارتی بسزا داشت نظارت بر اجرای این کار را بر عهده داشت. در عصر ویکتوریا برودری دوزی (embroider) از هنرهای شاخص و فاخر زنانه بود و مهارت در آن از وجوه امتیاز بانوان در طبقه اشراف بشمار می آمد، بطور حتم همین نکته یکی از دلایل انتخاب این نوع هدیه برای ناصرالدین شاه بوده است.

ملکه ویکتوریا بطور کلی توجهی خاص نسبت به ناصرالدین شاه ابراز می نمود و شاخص ترین وجه آن اهداء نشان گارتر (Garter) به ناصرالدین شاه بود. اعطاء این نشان که به عنوان عالیترین نشان بریتانیا برای اعطاء به شاهزادگان و پادشاهان بزرگ در مناسبت های بسیار مهم اختصاص داشت به ناصرالدین شاه باعث ایجاد بحران شدیدی بین دولت و دربار انگلیس شد.^۸

در مورد نحوه انتقال پرده سوزن دوزی صورت ناصرالدین شاه به خانم عصمت الدوله گفته شد هنگامی که خانم عصمت الدوله همسر دوستمحمدخان معیرالممالک سرتسیح زمره نادرشاه افشار را از گنجینه جواهرات خانوادگی معیرالممالک برای پدر فرستاد، ناصرالدین شاه علاوه بر جبران ارزش مادی آن، بنا بر اظهار علاقه خانم عصمت الدوله تصویر سوزن دوزی شده اهدائی ملکه ویکتوریا را هم به دختر خود ارزانی داشت. این پرده سوزن دوزی نیز مانند بسیاری از آثار

^۸ - دکتر جواد شیخ الاسلامی در همین زمینه مقاله ای در مجله آینده شماره های فروردین - خرداد ۱۳۵۹ تحت عنوان "اعطای نشان زانو بند" به رشته تحریر درآورده اند که در آن با بررسی منابع و اسناد انگلیسی مطرح می نمایند که اعطاء این نشان بحران شدیدی بین دولت و دربار انگلستان بوجود آورد و مسائلی مطرح گردید که مؤید توجه استثنائی ملکه ویکتوریا به ناصرالدین شاه بود.

ارزشمند هنری که به خانواده معیرالممالک تعلق داشت پس از دوستمحمدخان و تغییر اوضاع و احوال دست بدست شد .

یادداشت های اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات بخشی از این روایت خانوادگی را تأیید می نماید و دلالت بر صحت آن دارد :

” ناظم خلوت زمردی آورد. از عصمت الدوله دختر شاه زن معیر بود می فروخت. روی زمرد به خط نسخ نوشته شده بود این سنگ سر تسبیح شاهنشاه صاحبقران نادرشاه بود که با این تسبیح استخاره کرد که هندوستان برود یا نه خوب آمد و رفت و فتح کرد . زمرد را شاه هفتصد تومان خرید . “^۹

سرتسبیح زمرد نادر شاه که اکنون در گنجینه جواهرات ملی ایران در موزه بانک مرکزی نگهداری می شود از جمله جواهرات مشهور و تاریخی است که طبق عکس و مشخصات گوهرشناسی آن در کتاب ” جواهرات سلطنتی ایران “ تألیف تُشنیگهام، زمردی است دامله (دارای سطح برجسته) به وزن ۳۰۳ قیراط و در اندازه ۲۳/۳ x ۳۹ x ۴۸ میلیمتر که بر روی آن این عبارت حکاکی شده است :

” جهت تسبیح شاه شاهان نادر صاحبقران بر تسخیر هند از جواهرخانه انتخاب شد . ۱۱۵۲ “^{۱۰}

مورد شایان توجه دیگری که در تهیه آن از پرتزه های رسمی ناصرالدین شاه استفاده شده گراوری است که از روی یکی از عکسهای ناصرالدین شاه بر روی چوب حکاکی شده است، این گراور به دست توانای هنرمندی اروپائی برای چاپ بر روی جلد يك مجله ساخته شده بود . نکته ای که در این نمونه خاص توجه مرا به خود جلب کرد استفاده دو سوپه از عکاسی در این مورد

^۹ - اعتماد السلطنه ، محمد حسن خان : روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ، به کوشش ایرج افشار ، امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۴۵ ، ص ۴۳۰ .

^{۱۰} - تُشنیگهام : جواهرات سلطنتی ایران ، عکس ها از لیتون وارن ، ترجمه مهرداد نبیلی ، بانک مرکزی ایران ، تهران ، ۱۳۵۵ ، صص ۲ - ۷۱ .

^{۱۱} - اعتماد السلطنه نوشته حکاکی شده روی زمرد را نقل به معنی نموده است .

بود، ابتدا عکسی نیم تنه از ناصرالدین شاه برداشته شده - این تصویر هم در دسته بندی پرتره های رسمی ناصرالدین شاه می گنجد - سپس دستی هنرمند از روی آن عکس نمونه حکاکی شده ای ساخته شده و به طبع آراسته شده است. در آخر از روی نمونه چاپی بر روی مجله در عکاسخانه دوستمحمدخان معیرالممالک کپی عکسی از آن برداشته شده و به روی مقوای پشت بند عکس با نشان مخصوص عکاسخانه دوستمحمدخان چسبانیده شده است. تصویری از این کپی عکسی در دست است .

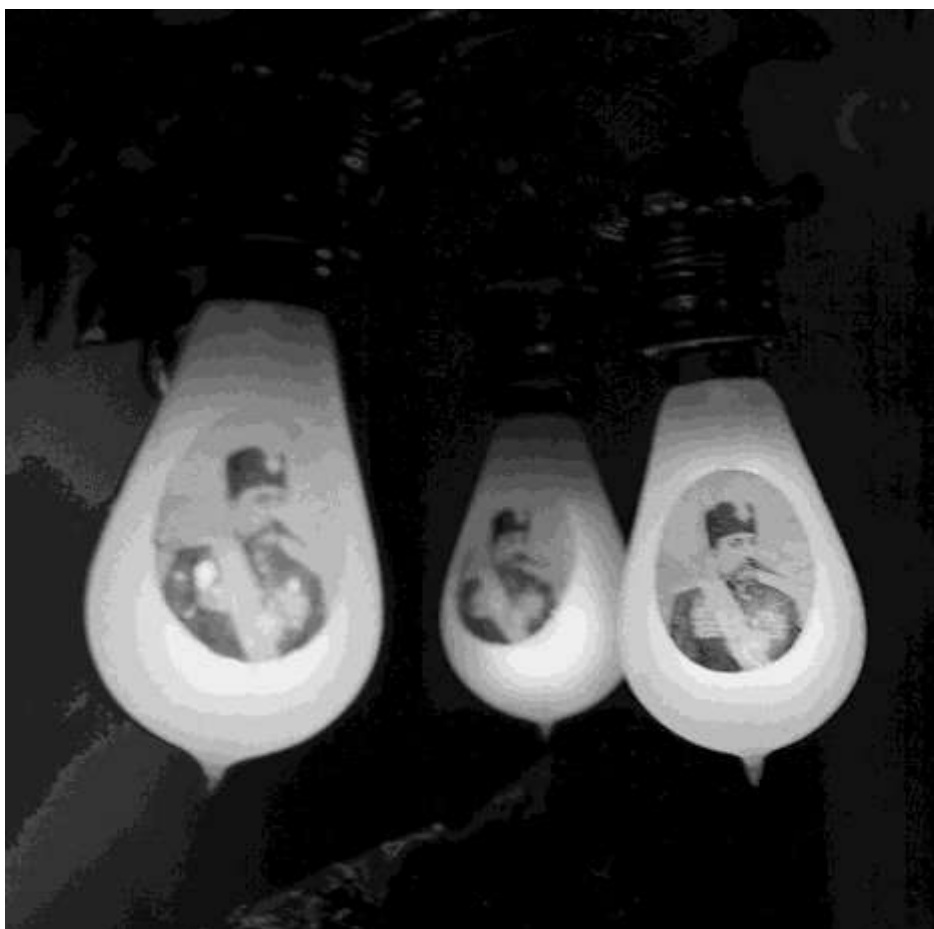


عکسی که روی از گراور تهیه شده از عکس ناصرالدین شاه قاجار کپی برداری شده است

در رابطه با دیگر انواع استفاده تزئینی از پرتره های ناصر الدین شاه قاجار یکی از بستگان نیز مطرح نمود که سالها قبل مدالیونی به بلندی تقریبی ده سانتیمتر از جنس عاج در اختیار داشته که روی آن تصویری بسیار ظریف و رنگی از صورت ناصرالدین شاه نقش بسته بود و دور آن قاب زیبایی از طلای مشبک قرار داشت . متأسفانه ایشان تصویری از این مدالیون در دست نداشتند اما زیبایی و ظرافت کم نظیر این شئی ارزشمند را ستودنی می خواندند .

همینطور در فهرست اشیائی که ناصرالدین شاه از سفر سوم فرنگستان با خود به ایران آورده مشخصات تصویری از ناصرالدین شاه آمده که بر روی صدف نقاشی شده است.^{۱۲}

چاپ تصویر شاه بر روی اشیاء کاربردی که از زمان ناصرالدین شاه در ایران آغاز شد و کم کم به صورت يك سنت در آمد به اشیاء جنبه تزئینی می داد تا جائیکه در دوره مظفرالدین شاه با رواج برق و استفاده از چراغ برق در ایران تصویر وی بر روی لامپ های الکتریسته نیز چاپ می شده است.



^{۱۲} - روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان : به کوشش دکتر محمد اسماعیل رضوانی - فاطمه قاضیها ، انتشارات سازمان اسناد ملی ، تهران ، ۱۳۷۸ ، ج ۱ ، ص ۳۱۹ .

